



کارو هوانسیان فر  
حسابدار رسمی

## نیم قرن گذشت، هنوز در آغاز راهیم

مدیران شرکت‌ها که معتقد هستند نیاز حسابداری آن‌ها در سطح نگهداری دفاتر قانونی و در نهایت ارائه‌ی اظهارنامه‌ی مالیاتی به سازمان امور مالیاتی کشور است، آیا می‌توان ضرورت انجام حسابرسی را توجیه کرد؟ همان‌طور که اشاره شد بعضی از صاحبان و مدیران شرکت‌ها معتقد هستند که با نگهداری دسته‌چک‌ها نزد خود و صدور و امضای چک‌ها توسط آن‌ها، کلیه‌ی عملیات شرکت در دست و تحت کنترل آن‌ها است و هیچ‌گونه سوءاستفاده و تقلبی نمی‌تواند در شرکت آن‌ها رخ دهد. باید به عرض این صاحبان و مدیران شرکت‌ها رساند که اولاً حسابرسی صرفاً جهت کشف سوءاستفاده‌ها و تقلب‌های احتمالی نیست و ثانیاً برای انجام سوءاستفاده‌ها و تقلبات، راه‌های بسیار ساده‌ای وجود دارد که نیار به دسترسی به دسته‌چک‌های یک شرکت هم نیست. به‌نظر اینجانب هر واحدی، هر قدر هم کوچک باشد، نیاز به حسابرسی دارد. هرگاه کارکنان یک شرکت بدانند که حسابرس، کارهای آن‌ها را رسیدگی می‌کند، از بسیاری از فکریهای خطایی که ممکن است احتمالاً به ذهن‌شان برسد، خودداری می‌نمایند. از طرفی هم عدم انجام حسابرسی احتمالاً می‌تواند راه را برای بسیاری از تخلفات بازگذارد. در نتیجه، نیاز انجام حسابرسی در هر واحد

مطلب خواهند برد که تا چه میزانی قسمت امور مالی خوب و سیستم‌های مالی مطلوب می‌تواند آن‌ها را در آنچه که در شرکت گذشته مطلع کند و همچنین به آن‌ها برای تصمیم‌گیری‌های آتی کمک کند. سال‌ها پیش با مدیرعاملی آشنا شدم که کاملاً به امور مالی آگاهی داشت و کلیه‌ی اطلاعات مورد نیاز خود، از جمله بهای تمام‌شده‌ی محصولات را به طور مرتب از قسمت امور مالی می‌خواست که در اختیار او قرار دهند و خود آن اطلاعات را بررسی و تجزیه و تحلیل می‌کرد و در مورد نوسان‌های بااهمیت، گزارش‌های اضافی از قسمت امور مالی می‌خواست و گاهی نیز از کارشناسان یک موسسه حسابرسی درخواست می‌کرد که در مورد بعضی از نوسانات فوراً به شرکت او مراجعه و گزارش کاملی در مورد موضوعات مورد درخواست او تهیه نمایند. باید اذعان کنم که این مدیرعامل، یک مدیرعامل بسیار موفق بوده و شرکت تحت مدیریت او با سوددهی بسیار بالا کار می‌کرد. البته بحث در مورد طراحی و پیاده‌سازی سیستم‌های مالی و مرتبط با مالی بروز خارج از موضوع این مقاله است و لذا بیشتر توضیح داده نمی‌شود. موضوع این مقاله بازار خدمات حسابرسی در ایران است. حال به بعضی از صاحبان و

با وجود گذشت حدود بیش از ۵۰ سال از عمر حسابرسی در ایران، حسابرسی هنوز رشته‌ای ناشناخته برای بسیاری از اشخاص حقیقی و حقوقی در بخش خصوصی است. برای بعضی از اشخاص حقیقی و حقوقی در بخش خصوصی، حتی حسابداری هم امر ناشناخته‌ای است و نیاز و اهمیت وجود یک سیستم حسابداری خوب که بتواند انواع اطلاعات مالی را به‌موقع به مدیریت ارائه دهد و حتی صورت‌های مالی آتی برای تصمیم‌گیری‌ها در اختیار آنان قرار دهد، آگاه نیستند. در بعضی از شرکت‌ها، نیاز حسابداری در حد نگهداری دفاتر قانونی و تهیه‌ی اظهارنامه‌ی مالیاتی به منظور ارائه به سازمان امور مالیاتی کشور است و بعضی از صاحبان و مدیران شرکت‌ها بر این اعتقاد هستند که با حضور مداوم آن‌ها در شرکت، همه چیز تحت کنترل است و هیچ‌گونه اتفاق نامساعدی نمی‌تواند در آنجا رخ دهد. به‌خصوص این‌که دسته‌چک‌ها نزد آن‌ها است و خود باید چک‌ها را صادر و امضا نمایند و لذا امکان هرگونه سوءاستفاده و تقلبی وجود ندارد. برای این صاحبان و مدیران شرکت‌ها اگر محاسن داشتن سیستم‌های مالی و مرتبط با مالی خوب را تشریح کنید، و در عمل نیز آن‌ها شاهد تفاوت بین داشتن سیستم‌های مالی خوب و مطلوب و صرفاً نگهداری دفاتر قانونی به منظور ارائه به سازمان امور مالیاتی کشور باشند، پی به این

بخش خصوصی که موضوع بحث این مقاله است، ضروری احتمالاً است. با اجبارهایی که اخیراً از طرف سازمان امور مالیاتی کشور، بانکها و غیره به وجود آمده است، بسیاری از واحدها در بخش خصوصی مجبور به انجام حسابرسی هستند و صاحبان واحدهایی که تاکنون حسابرسی نشده‌اند، کم‌کم شاهد فواید انجام حسابرسی می‌شوند زیرا حساب‌رسان نکاتی را به آن‌ها تذکر می‌دهند که تاکنون به فکرشان خطور نکرده بود. حال باید دید که وظیفه‌ی حساب‌رس چیست؟ حساب‌رس هم باید وظیفه‌ی محوله را طبق استانداردهای حسابرسی انجام دهد و اعتماد عمومی را به گزارش‌های حسابرسی جلب نماید. به عبارت دیگر، اعتماد کلیه‌ی قشرهای جامعه از جمله سازمان‌های دولتی و خصوصی را به دست آورد. به دست آوردن چنین اعتمادی بستگی به نحوه‌ی انجام حسابرسی و ارائه‌ی گزارش‌های بی‌طرفانه و حقیقی دارد. امیدوارم روزی هرگاه یک حسابدار رسمی زیر یک گزارش حسابرسی را امضا می‌کند، عموم مردم، به قول معروف، چشم‌بسته گزارش او را قبول و به صورت‌های مالی ضمیمه‌ی آن اتکای کامل کنند.

متأسفانه در بازار فعلی حسابرسی در بعضی موارد، بعضی از حساب‌رسان به صورت بلندمدت به حرفه‌ی حسابرسی فکر نمی‌کنند و باعث خدشه‌دار شدن نام اکثریت حساب‌رسان مستقل که با صداقت کامل کارهای حسابرسی را انجام و گزارش‌های واقعی ارائه می‌دهند، می‌شوند. متأسفانه در کار حسابرسی در بعضی موارد شاهد موضوعاتی هستیم که شنیدن آن‌ها برای خیلی‌ها می‌تواند تعجب‌آور و حتی باورنکردنی باشد. از مدیر مالی یک شرکت متوسط شنیدیم که حساب‌رسان آن‌ها قرار بود حسابرسی صورت‌های مالی آن شرکت را در عرض یک هفته انجام دهند. حساب‌رسان در زمان مقرر به آن شرکت مراجعه نکرده و به اطلاع مدیر مالی آن شرکت رسانده بودند که به علت طیق وقت و مشغله‌ی کاری، کار حسابرسی صورت‌های مالی آن شرکت را در ظرف چهار روز انجام خواهند داد و از خود شرکت درخواست کرده بودند که اکثر کاربرگ‌هایی که خود حساب‌رس باید تهیه کند، توسط کادر مالی آن شرکت تهیه شود!! جای بسی تأسف است.

مهم‌ترین مشکلات اقتصادی اکثر موسسات حسابرسی، عدم وجود بازار کاری کافی است. البته نه برای تعداد محدودی از موسسات

حسابرسی که در مواردی به علت کثرت کار (به دلایلی که بحث در مورد آن‌ها خارج از موضوع این مقاله است) خیلی از کارهای ارجاعی را رد می‌کنند. این موسسات با ظرفیت خیلی کم‌تر از توانایی موسسات خود کار می‌کنند و در نتیجه با وجود داشتن توانایی‌های حرفه‌ای بالا، نمی‌توانند توسعه یابند و در حد موسسات کوچک و حداکثر متوسط باقی می‌مانند.

حال این موسسات که با ظرفیت کامل کار نمی‌کنند و شنیده‌ام که در مواردی با حداکثر ۳۰ تا ۵۰ درصد ظرفیت و توانایی خود کار می‌کنند، چه‌طور بقا و دوام آورده‌اند؟ پاسخ آن بسیار روشن است. اکثر این موسسات به صورت موسسات کوچک باقی مانده‌اند. البته نه به علت عدم کفایت کاری. شرکای آن‌ها وظایف مدیر حسابرسی و سرپرست ارشد حسابرسی را نیز انجام می‌دهند و لذا از این بابت هزینه‌ای متحمل نمی‌شوند و یا از طرق حرفه‌ای دیگر همچون تدریس در دانشگاه‌ها و مراکز علمی، امرار معاش می‌کنند. جای بسی تأسف است که چرا این موسسات که تعداد آن‌ها هم کم نیست و از نظر دانش و مهارت حرفه‌ای هم چیزی از دیگران کم ندارند، به‌عللی با چنین ظرفیت کاری پایین کار می‌کنند.

سؤال می‌شود که چرا شاهد ادغام موسسات حسابرسی نیستیم؟ پاسخ آن بسیار ساده است. در حال حاضر، ادغام موسسات حسابرسی و تشکیل موسسات حسابرسی به اصطلاح "بزرگ" ممکن نیست زیرا طرز فکر شرکا و مدیران اکثر موسسات با یکدیگر همخوانی ندارد و سطح کیفیت کاری آن‌ها نیز بسیار متفاوت است. البته ممکن است گفته شود که احتمالاً چند موسسه از نظر امتیازبندی از طرف قسمت کنترل کیفیت جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران در یک رده و کم‌وبیش نزدیک به هم قرار دارند، ولی به نظر من، این مورد به‌هیچ‌وجه نشان‌دهنده‌ی هم‌سطح بودن کیفیت کاری این موسسات و هم‌خوانی طرز فکر شرکای آن‌ها نمی‌تواند باشد. از طرفی هم سابقه نشان داده که موسساتی که یک روزه با جمع‌شدن چند شریک که آشنایی کامل به طرز فکر یکدیگر نسبت به حرفه و سایر مسایل نداشته تشکیل شده‌اند، پس از مدت زمان کوتاهی با اختلافات بسیار حاد، در بسیاری موارد،

حتی غیرحرفه‌ای، از هم جدا شده‌اند. تشکیل و تاسیس یک موسسه‌ی حسابرسی خصوصی بزرگ در یک روز، نمی‌تواند به‌هیچ‌وجه موفق باشد. موسسات حسابرسی باید از چند شریک که دارای خصوصیات اخلاقی نزدیک به هم و دیدگاه‌های حرفه‌ای یکسان هستند تشکیل شود و سپس بازار کار به صورت عادلانه برای آن‌ها وجود داشته باشد و این موسسات با انجام خدمات حرفه‌ای با کیفیت مطلوب و طبق استانداردها، کم‌کم رشد کنند و کادر خوبی را تربیت نمایند و شرکای بعدی این موسسات از همان کادری باشند که در این موسسات کار کرده و لیاقت خود را در هر سمتی و رده‌ای نشان داده‌اند.

در بازار فعلی حسابرسی همه می‌دانند که در بعضی مواقع رقابت‌های ناسالم وجود دارد. بعضی از موسسات حسابرسی هر کاری را به هر قیمتی قبول می‌کنند زیرا برای آن‌ها در هر حال سودآور است. این موسسات حسابرسی برای هر کاری بودجه‌ی ریالی منظور می‌کنند و لذا بر اساس آن بودجه‌ی ریالی، کار حسابرسی را به نحوی به اتمام می‌رسانند و به قول آن‌ها، "کار را جمع می‌کنند."

حال راه‌حل این کار برای از بین بردن رقابت‌های ناسالم و احتمالاً ارائه‌ی گزارش‌های غیرواقعی چیست؟ راه‌حلی که به نظر می‌رسد این است که شرکت‌هایی را که می‌خواهند تسهیلات بانکی و سایر تسهیلات اخذ کنند یا شرکت‌هایی که درآمد آن‌ها از حد معینی تجاوز می‌کند، حتماً مجبور به حسابرسی کرد و به اصطلاح عام، بازار کار حسابرسی را به صورت سالم رونق داد تا هر حساب‌رس بداند که بازار کار زیاد برای او وجود دارد و در نتیجه از انجام کارهایی که بر خلاف اصول اخلاق حرفه‌ای است بپرهیزد. واحدهای مورد رسیدگی نیز اجبار به تعویض حساب‌رس و بازرس قانونی خود پس از هر چهار سال داشته باشند و تعویض حساب‌رس و بازرس قانونی قبل از مدت چهار سال، تحت کنترل شدید سازمانی مستقل باشد و از طرفی هم باید کنترل سازمان‌ها و ارگان‌ها بر کیفیت کار موسسات حسابرسی وجود داشته باشد. انجام چنین کاری می‌تواند برای رونق اقتصادی هر چه بیش‌تر کشورمان بسیار مفید باشد.